

تفسیر تطبیقی آیه «مع الصادقین»

از دیدگاه فریقین

حجت‌الاسلام والمسلمین ایلقار اسماعیل‌زاده*

چکیده

آیه «مع الصادقین» (توبه: ۱۱۹) از جمله آیات نورانی قرآن کریم است که دلیل فضیلت و برتری اهل بیت(ع) شمرده شده است. مفسران و دانشمندان نامدار مذهب اهل بیت(ع) نیز در طول تاریخ درباره این آیه، بحث‌های زیادی نموده و در مورد برتری اهل بیت(ع) به آن استدلال کرده‌اند.

با وجود این، تا کنون این آیه شریفه به صورت تطبیقی بین مذهب اهل بیت(ع) و مذهب اهل سنت مورد بحث قرار نگرفته و شبهات، ابهامات و سؤالات مربوط به آن به صورت جدی نقد و بررسی نشده است. از طرف دیگر، تاکنون همه یا اکثر دانشمندان و مفسران هر دو مذهب، در تفاسیر، این آیه شریفه را به صورت کامل، تفسیر و تبیین نکرده‌اند؛ به طوری که برخی از آنها در مورد شأن نزول و معنا و مصداق عام آیه به تفصیل بحث نموده و برخی دیگر بدون توجه به شأن نزول و معنا و مصداق آن، صرفاً در خصوص مصداق خاص و کامل‌تر آن سخن گفته‌اند.

این مقاله آیه شریفه «مع الصادقین» را در چند بعد بررسی می‌نماید. تفسیر و تبیین اجمالی آیه، بررسی آن از دیدگاه روایات فریقین، بررسی آن از دیدگاه مفسران فریقین، و در انتهای به نقد و بررسی شبهات، ابهامات و سؤالات مربوط به آیه پرداخته است.

واژه‌های کلیدی: آیه «مع الصادقین»، تفسیر تطبیقی، اهل بیت(ع)، اهل سنت، روایات،

مفسران.

* فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن و حدیث، مدرسه عالی امام خمینی(ره).

بخش اول: تفسیر و تبیین اجمالی آیه «مع الصادقین»

آیه «مع الصادقین» آیه ۱۱۹ از سوره توبه است. این سوره از سوره‌های مدنی و دارای ۱۲۹ آیه نورانی است.

خداوند متعال می‌فرماید:

و علی الثلاثة الذین خلفوا حتی اذا ضاقت علیهم الأرض بما رحبت و ضاقت علیهم انفسهم و ظنوا ان لا ملجأ من الله الا الیه ثم تاب علیهم لیتوبوا ان الله هو التواب الرحیم؛

و آن سه نفر که (از شرکت در جنگ تبوک) باز ماندند (و مسلمانان با آنها قطع رابطه نمودند) تا آن حد که زمین با همه وسعتش بر آنها تنگ شد (حتی) در وجود خود جایی برای خود نمی‌یافتند (در آن هنگام) دانستند پناهگاهی از خدا جز به سوی او نیست. سپس خدا رحمتش را شامل حال آنها نمود (و به آنان توفیق داد) تا توبه کنند؛ خداوند بسیار توبه‌پذیر و مهربان است.

یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و کونوا مع الصادقین؛^۱ ای کسانی که ایمان آورده‌اید از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید و با صادقان باشید.

با توجه به اینکه تعدادی از مفسران و دانشمندان آیه «مع الصادقین» را به وسیله آیه قبل (توبه: ۱۱۸) تفسیر کرده‌اند، در آغاز شأن نزول آیه ۱۱۸ را بیان خواهیم کرد.

طبر

شأن نزول آیه

خداوند متعال در این سوره به یکی از حوادث جالب و درس آموز دوران رسول گرامی اسلام (ص) اشاره می‌کند. مفسران درباره شأن نزول آیه ۱۱۸ سوره توبه چنین نوشته‌اند: سه نفر از مسلمانان به نام کعب بن مالک و مرارة بن ربیع و هلال بن امیه، از شرکت در جنگ تبوک و حرکت همراه پیامبر اکرم (ص) سر باز زدند، ولی این به خاطر نفاق آنها نبود، بلکه فقط به خاطر سستی و تنبلی بود؛ اما چیزی نگذشت که آنان از این کار پشیمان شدند.

آنان هنگام برگشتن پیامبر اکرم (ص) به مدینه، حضور آن حضرت (ص) آمدند و عذر خواهی نمودند، اما پیامبر با آنها سخنی نگفت و به مسلمانان نیز دستور داد که کسی با آنان سخن نگوید. بالاخره آن سه نفر در محاصره اجتماعی قرار گرفتند و حتی فرزندان و همسران آنان نزد پیامبر اکرم (ص) آمدند و از آن حضرت (ص) اجازه جدایی از آنان را درخواست نمودند. ولی پیامبر (ص) به آنها این اجازه را نداد، اما دستور داد که به آنها نزدیک نشوند.

آن سه نفر برای رهایی از این فشار اجتماعی و رسوایی بزرگ از شهر خارج شدند و به کوههای اطراف مدینه پناه بردند. آنان حتی در آنجا نیز از یکدیگر جدا شدند و به تنهایی مشغول

گریه و زاری گشتند و منتظر قبولی توبه خود بودند. بالاخره پس از گذشت پنجاه روز توبه و تضرع به درگاه الهی، توبه آنها پذیرفته شد و آیه مذکور (توبه: ۱۱۸) درباره آنها نازل گردید.^۲ خداوند متعال پس از این آیه شریفه است که خطاب به مؤمنان می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و کونوا مع الصادقین»^۳ ای کسانی که ایمان آورده اید! از (مخالفت فرمان) خدا بپرهیزید و با صادقان باشید.»

دیدگاه‌های مختلف در خصوص مصادیق آیه «مع الصادقین»

آیه «مع الصادقین»، همچون سائر آیات معروف قرآن کریم، از جهت مصداق مورد اختلاف قرار گرفته و درباره مصداق یا مصادیق آن دیدگاه‌های مختلف و متفاوتی ارائه شده است. بر اساس اقوال مختلف، مهم‌ترین مصادیق آیه عبارت‌اند از:

۱. ای کسانی از اهل کتاب که ایمان آورده‌اید، همراه صادقان باشید.
۲. ای مؤمنان (مسلمانان)، با کسانی باشید که همراه پیامبر(ص) برای جنگ خارج شدند، نه با منافقان.
۳. با انجام اعمال صالح در بهشت همراه پیامبران الهی باشید (این سخن ضحاک است).
۴. با کسانی باشید که ظاهر و باطن آنها یکی است.
۵. با مهاجران صدر اسلام باشید.
۶. با کسانی باشید که به عهد و پیمان خود وفادار هستند.
۷. آیه خطاب به سه نفر مذکور در آیه قبلی (توبه: ۱۱۸) است: با محمد و اصحاب او باشید.
۸. ای مؤمنان یا سه نفر مذکور در آیه قبلی (توبه: ۱۱۸) یعنی کعب بن مالک و مرارة بن ربیع و هلال بن امیه، باشید و در صداقت به آنها اقتدا کنید که صداقت آنها نجات دهنده آنهاست.
۹. «کونوا مع الصادقین» به معنای «کونوا من الصادقین» است. طبق قرائت ابن مسعود منظور آیه این است که از گروه صادقان باشید.
۱۰. با علی بن ابی طالب و اصحاب او باشید (این سخن ابن عباس است).
۱۱. با ابوبکر و عمر و اصحاب آن دو باشید (این سخن ضحاک است).
۱۲. با علی بن ابی طالب باشید. این سخن ابن عباس و امام باقر(ع) است.
۱۳. با آل محمد(ص) باشید. این سخن امام باقر(ع) است.
۱۴. با ابوبکر و عمر باشید (این سخن به سعید بن جبیر نسبت داده شده است).
۱۵. با مهاجرین و انصار باشید.^۴

معنای «الصادقین» (راستگویان)

با در نظر گرفتن معانی باطنی قرآن کریم و نیز شمولیت آن برای همه زمانها، مکانها و اقوام، نتیجه می‌گیریم که خداوند متعال با بیان یک آیه، معانی متعدد و گوناگونی را در نظر گرفته

است که این هم ذو المراتب و هم ذو المعانی بودن آیات نورانی قرآن کریم را ثابت می‌کند. ما نباید از این ویژگی مهم قرآن کریم که در واقع یکی از اصلی‌ترین عوامل نو و تازه ماندن این کتاب مقدس تا روز قیامت به حساب می‌آید غافل شویم. با این توضیحات منظور از «الصادقین» (راستگویان) در آیه «مع الصادقین» نیز به خوبی روشن خواهد شد. بر این اساس، مراد از راستگویان در آیه در دو بیان مستقل مشخص می‌شود:

۱. مصداق عام آیه (راستگویان نسبی)

با توجه به این اصل مهم قرآنی که آیات قرآن کریم مفسر و مبین یکدیگرند، آیه «مع الصادقین» نیز توسط تعدادی از آیات نورانی دیگر تفسیر و تبیین شده است که در اینجا به دو نمونه اشاره می‌شود:

الف. سوره حجرات، آیه ۱۵:

انما المؤمنون الذین آمنوا بالله و رسوله ثم لم یرتابوا و جاهدوا
بأموالهم و انفسهم فی سبیل الله اولئک هم الصادقون؛ همانا
مؤمنان (واقعی) کسانی هستند که به خدا و رسولش ایمان آوردند، سپس
هرگز شک و تردید به خود راه ندادند و با اموال و جانهای خود در راه خدا
جهاد کرده‌اند؛ اینان به حقیقت راستگویانند.

ب. سوره بقره، آیه ۱۷۷:

«لیس البر ان تولوا و جوهکم قبل المشرق و المغرب و لکن البر
من آمن بالله و الیوم الآخر و الملائکة و الکتب و النبیین و آتی المال
علی حبه ذوی القربی و الیتیمی و المساکین و ابن السبیل و السائلین و
فی الرقاب و اقام الصلوة و آتی الزکاة و الموفون بعهدهم اذا عاهدوا و
الصابرین فی البأساء و الضراء و حین البأس اولئک الذین صدقوا و
اولئک هم المتقون؛

نیکی در این نیست که (تنها به هنگام نماز) روی خود را به سوی
مشرق (یا) مغرب کنید و لیکن نیکی (و نیکوکار) کسی است که به خدا و
روز قیامت و فرشتگان و کتاب (آسمانی) و پیامبران ایمان آورده و
مال (خود) را با همه علاقه‌ای که به آن دارد، به خویشاوندان و یتیمان و
مسکینان و واماندگان در راه و سائلان و بردگان اتفاق کند، نماز را برپا
می‌دارد و زکات را می‌پردازد، (همچنین) کسانی که به عهد خود - به هنگامی که
عهد بستند - وفا می‌کنند و در برابر محرومیتها و بیماریها و در میدان جنگ
استقامت به خرج می‌دهند، اینها کسانی هستند که راست می‌گویند (و گفتارشان با

اعتقاداتشان هماهنگ است) و آنها پرهیزگارانند.^۵

در آیات مذکور، برای راستگویان (صادقین)، ویژگیهای متعددی مانند ایمان به خدا و پیامبر اسلام (ص)، ایمان به روز رستاخیز، کتابهای آسمانی، جهاد در راه خداوند با مال و جان، اقامه

طهر

نماز، پرداخت زکات و... ذکر شده است. این ویژگیها در واقع جلوه‌های تقوای الهی است که خداوند متعال در ابتدای آیه مؤمنان را به رعایت آن موظف نموده است.

بنابراین افرادی که در راه تقوای الهی حرکت کنند و دارای ویژگیهای مذکور (که جلوه‌هایی از تقوای الهی به حساب می‌آیند) باشند، از راستگویان (صادقان) شمرده می‌شوند و همراهی آنان لازم و ضروری است. اما نباید فراموش کرد که چنین اشخاصی، مصادیق نسبی و عام آیه «مع الصادقین» هستند و همراهی آنها تنها به شرط رعایت تقوای الهی است و چنانچه ویژگیهای یاد شده در آنها نباشد و یا به عبارت دیگر، به تقوای الهی (انجام واجبات و کسب باورهای صحیح و ترک محرمات و دوری از باورهای نادرست) عمل نمایند، همراهی آنان جائز نخواهد بود.

۲. مصداق خاص و اکمل آیه (راستگویان حقیقی)

اگر به آیه توجه بیشتری شود، روشن خواهد شد که این آیه بر اساس قاعده علم اصول، به صورت مطلق و بدون هیچ قید و شرطی بیان شده است. این مطلب از دستور بی قید و شرط «کونوا» به دست می‌آید. بر اساس همین بیان مطلق، نتیجه می‌گیریم که باید در همه زمانها و برای همه اقوام، کسانی وجود داشته باشند که همراهی مطلق آنها - بدون هیچ قید و شرطی - بر همه مؤمنان واجب و ضروری باشد.

در احادیث و روایات زیادی، مصادیق خاص و اکمل آیه «مع الصادقین» به خوبی بیان شده است که در اینجا جهت اختصار تنها به سه مورد بسنده می‌کنیم:

۱. عبدالله ابن عباس درباره آیه «تقوا الله و کونوا مع الصادقین» گفته است: با علی بن ابی طالب باشید.^۶

۲. امام باقر (ع) درباره همین آیه فرمود: با آل (اهل بیت) محمد (ص) باشید.^۷

۳. همچنین در حدیث صحیحی می‌خوانیم که ابو نصر از امام رضا (ع) در مورد آیه «مع

الصادقین» پرسید و آن حضرت (ع) در پاسخ وی چنین فرمود: «هم الائمة»^۸ آنها (صادقان) همان امامانند.»

با توجه به اینکه بر اساس ادله انکار ناپذیر عقلی، قرآنی، روایی و... عصمت پیامبر اسلام (ص) و اهل بیت (ع) آن حضرت به اثبات رسیده است،^۹ راستگویانی که خداوند متعال در این آیه، پس از دستور به رعایت تقوای الهی، به همراهی مطلق آنها دستور داده است، معصومان، یعنی پیامبر عظیم‌الشان اسلام و اهل بیت آن حضرت (ص) هستند. آنها مصادیق حقیقی و کامل‌تر و خاص آیه «مع الصادقین» هستند و همراهی آنها بدون هیچ قید و شرطی بر همه امت اسلامی فرض است.

البته نباید فراموش کرد که همراهی آنها تنها دوست داشتن و پذیرش و یا حضور ظاهری در نزد آنها نیست، بلکه منظور اصلی از این دستور الهی، اطاعت بدون قید و شرط از آنهاست. در حدیث صحیحی به نقل از امام صادق(ع) آمده است که پیامبر عظیم‌الشان اسلام(ص) فرمود:

...او صیکم بکتاب الله و اهل بیته. فانی سألت الله عزوجل ان لا یفرق بینها، حتی یوردهما علی الحوض، فأعطانی ذلک؛ درباره کتاب خدا(قرآن) و اهل بیتم به شما سفارش می‌کنم. من از خدای عز و جل خواسته‌ام که میان آنها جدایی نیندازد تا آنها را کنار حوض به من برساند. خدا(هم) خواسته مرا عطا کرد.

و قال: لا تعلموهم فهم اعلم منکم؛ و نیز فرمود: شما چیزی را به آنها نیاموزید که آنها از شما داناترند. و قال(ص): انهم لن یخرجوکم من باب هدی و لن یدخلوکم فی باب ضلالة؛^۱ و نیز فرمود: آنها شما را هرگز از در هدایت بیرون نمی‌کنند و هرگز شما را در گمراهی وارد نمی‌سازند.

شاهد سخن ما در اینجا همین جمله پایانی حدیث است که در واقع پیامبر اکرم(ص) با این جمله بر عصمت اهل بیت خود صحنه گذاشته است. بنابراین همراهی بدون قید و شرط اهل بیت(ع) هیچ گونه ضرر و زبانی به دنبال نخواهد داشت، چون آنها در عین دارا بودن ویژگی عبودیت و بندگی، از هر گونه گناه، عیب، اشتباه، فراموشی و سایر نواقص و کمبودها معصوم و منزّه هستند. ولی در همراهی و اطاعت بی قید و شرط از غیر آنها احتمال گمراهی و ضلالت وجود ندارد. چون دیگران از عیوب و نواقص و گناه و اشتباه در امان نیستند. بنابراین همراهی و اطاعت از اهل بیت(ع) مطلق و بدون قید و شرط، ولی همراهی و اطاعت از دیگران صرفاً در چهار چوب شریعت مقدس اسلام است.

طهر

بخش دوم: آیه «مع الصادقین» از دیدگاه روایات فریقین

اگر به منابع حدیثی و تفسیری مذهب اهل بیت(ع) و مذهب اهل سنت نگاه کنیم، خواهیم دید که در این منابع احادیث و روایات زیادی در خصوص آیه «مع الصادقین» وجود دارد. البته همه یا اکثر روایات و احادیث موجود در منابع مذهب اهل بیت(ع)، مربوط به مصداق حقیقی و اکمل آیه «مع الصادقین» است، ولی روایات موجود در منابع مذهب اهل سنت مختلف است که تعدادی از آنها بیانگر مصداق حقیقی راستگویان و تعداد دیگر با احراز شرایط لازم، مربوط به معنا و مصداق عمومی و نسبی آیه‌اند.

با توجه به تعداد قابل توجه این روایات، در این فصل با مراجعه به منابع حدیثی و تفسیری فریقین، نمونه‌هایی از روایات مربوط به آیه «مع الصادقین» را ارائه خواهیم داد.

روایات مذهب اهل بیت (ع)

۱. «عن بریدین معاویة العجلی قال: سألت ابا جعفر(ع) عن قول الله عز وجل: «اتقوا الله و کونوا مع الصادقین» قال: إیانا عنی؛^{۱۱}

برید بن معاویه نقل می کند که حضرت امام باقر(ع) درباره آیه «اتقوا الله و کونوا مع الصادقین» (توبه: ۱۱۹) پرسیدم و آن حضرت(ع) فرمود: «خداوند در این آیه) ما را قصد نموده است.»
۲. «عن بن ابی نصر عن ابی الحسن الرضا(ع) قال: سألته عن قول الله عز و جل «یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و کونوا مع الصادقین» قال: الصادقون هم الائمة؛^{۱۲}

ابن ابی نصر نقل می کند که از حضرت امام رضا(ع) درباره آیه «مع الصادقین» پرسیدم و آن حضرت(ع) جواب داد: صادقان امامان (از اهل بیت) اند.»
۳. «عن الامام الباقر(ع) فی قوله: «یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و کونوا مع الصادقین» قال: مع علی بی ابی طالب(ع)؛^{۱۳}

حضرت امام باقر(ع) درباره آیه «مع الصادقین» فرمود: (یعنی) با علی بن ابی طالب(ع) (باشید).»
۴. «قال امیرالمؤمنین(ع): فأنتذرتکم الله جل اسمه أتعلمون ان الله انزل «یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و کونوا مع الصادقین» فقال سلمان: یا رسول الله! أعامته هی ام خاصة؟ فقال: أما المؤمنون فعامته لأن جماعة المؤمنین امروا بذلك و أما الصادقون فخاصته لأخی علی و الأوصیاء من بعده الی يوم القيامة؟ قالوا: اللهم نعم؛^{۱۴}

حضرت امیرالمؤمنین علی(ع) در احتجاج خود در میان جمعی از مهاجرین و انصار در زمان خلافت عثمان بن عفان فرمود: شما را به خداوند قسم می دهم، آیا می دانید هنگامی که خداوند آیه «یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله و کونوا مع الصادقین» را نازل فرمود، سلمان گفت: ای رسول خدا!! آیا منظور از آن عام است یا خاص؟ حضرت پیامبر(ص) فرمود: مأمور به این دستور همه مؤمنان هستند و اما عنوان «صادقین» مخصوص برادرم علی(ع) و اوصیای بعد از او تا روز قیامت است؟ (هنگامی که امام علی(ع) این سؤال را نمود، حاضران) گفتند: آری این سخن را از پیامبر(ص) شنیدیم.»

۵. «روی جابر عن ابی جعفر(ع) فی قوله «کونوا مع الصادقین» قال: مع آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم؛^{۱۵}

جابر از امام باقر(ع) روایت نموده است که درباره آیه «مع الصادقین» فرمود: (یعنی) با آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم باشید.»

۶. «قال امیر المؤمنین علی بن ابی طالب(ع): و قد جعل الله للعلم اهلا و فرض الله طاعتهم بقوله «و اتقوا الله و کونوا مع الصادقین»؛^{۱۶}

امیرالمؤمنین امام علی(ع) فرمود: همانا خداوند برای علم اهلی را قرار داده و با سخن «تقوای الهی پیشه کنید و همراه راستگویان باشید»، اطاعت(از) آنها را واجب نموده است.»
 ۷. «عن محمد بن اسماعیل قال: سمعت ابا الحسن(ع) يقول: الائمة علماء صادقون مفهون محدثون؛^{۱۷}
 محمد بن اسماعیل نقل می کند که امام رضا(ع) فرمود: امامان(همگی) دانشمند، راستگو، مفهم و محدث^{۱۸} هستند.»

روایات مذهب اهل سنت

۱. «عن نافع فی قول الله «اتقوا الله و كونوا مع الصادقين» قال: مع النبی صلی الله علیه و سلم و اصحابه؛^{۱۹}
 از نافع روایت شده است که درباره آیه «مع الصادقین» گفت: (یعنی) با پیامبر(ص) و اصحاب او باشید.»
۲. «عن الضحاک فی قوله «و كونوا مع الصادقين» قال: مع ابی بکر و عمر و اصحابهما؛^{۲۰}
 از ضحاک نقل شده است که درباره آیه «مع الصادقین» گفت: با ابوبکر و عمر و اصحاب آن دو باشید.»
۳. «عن ابن عباس رضی الله عنهما قال: الصادقون فی هذه الآیة محمد صلی الله علیه و آله و اهل بیته؛^{۲۱}
 از ابن عباس(ره) روایت شده است که گفت: منظور از صادقین در این آیه - محمد صلی الله علیه و آله و اهل بیت آن حضرت(ص) است.»
۴. «عن الباقر و الرضا رضی الله عنهما قالوا: الصادقون الائمة من اهل البیت؛^{۲۲}
 از امام باقر و امام رضا - رضی الله عنهما - روایت شده است که فرمودند: (منظور از صادقین) امامان از اهل بیت هستند.»
۵. «عن جعفر بن محمد(ع) فی قوله «اتقوا الله و كونوا مع الصادقين» قال: (یعنی مع) محمد و علی؛^{۲۳}
 از امام باقر(ع) روایت شده است که درباره آیه «مع الصادقین» فرمود: یعنی با محمد و علی باشید.»
۶. «عن ابن عباس فی قوله «اتقوا الله و كونوا مع الصادقين» (قال) نزلت فی علی بن ابی طالب خاصة؛^{۲۴}
 از ابن عباس روایت شده است که درباره آیه «مع الصادقین» گفت: این آیه درباره علی بن ابی طالب(ع) به طور خصوصی نازل شده است.»

طهری

۷. «عن ابن عباس فى هذه الآية «يا ايها الذين آمنوا اتقوا الله و كونوا مع الصادقين» قال: مع على و اصحاب على؛^{۲۵}

از ابن عباس(ره) روایت شده است که درباره آیه «مع الصادقين» گفت: (یعنی) با علی و اصحاب علی(ع) باشید.»

۸. «عن ابى جعفر(ع) هو الباقر(ع) فى قوله «و كونوا مع الصادقين» قال: مع آل محمد عليهم السلام؛^{۲۶}

از امام باقر(ع) روایت شده است که درباره آیه «مع الصادقين» فرمود: (یعنی) با آل محمد - عليهم السلام - باشید.

۹. «عن ابى جعفر(ع) فى قوله تعالى «اتقوا الله و كونوا مع الصادقين» قال: مع على بن ابيطالب؛^{۲۷}

از امام باقر(ع) روایت شده است که درباره آیه «مع الصادقين» فرمود: با علی بن ابیطالب باشید.»

۱۰. «عن عبدالله بن عمر(ع) فى قوله تعالى «اتقوا الله» قال: أمر الله اصحاب محمد بأجمعهم

أن يخافوا الله ثم قال لهم: «كونوا مع الصادقين» يعنى محمدا و اهل بيته؛^{۲۸}

از عبدالله بن عمر روایت شده است که درباره سخن خداوند - اتقوا الله - گفت: خداوند به همه اصحاب محمد(ص) دستور داد که از خداوند بترسند و سپس خطاب به آنها فرمود: «كونوا مع الصادقين»؛ با صادقان یعنی با محمد و اهل بیت او(ص) باشید.»

بررسی و جمع‌بندی روایات فریقین

آنچه می‌توان به عنوان جمع‌بندی و نتیجه‌گیری از روایات و احادیث مذکور به دست آورد، از این قرار است:

۱. پیامبر عظیم‌الشان اسلام(ص) و اهل بیت(ع) آن حضرت، نمونه‌ها و مصادیق واقعی و حقیقی آیه شریفه «مع الصادقين» هستند.

۲. همراهی صادقان(راستگویان) مورد اشاره در آیه «مع الصادقين» به معنای اطاعت و فرمانبرداری از آنان است.

۳. همراهی و اطاعت از مصادیق واقعی آیه «مع الصادقين» به طور مطلق و بدون هیچ قید و شرط است که این هم در نوع خود بر عصمت آنها دلالت دارد.

۴. بر اساس دیدگاه ما، افراد دیگر مورد اشاره در روایات مذکور- اصحاب پیامبر اسلام(ص)

و یا اصحاب امام علی(ع)- مصادیق واقعی آیه مورد بحث نیستند، بلکه در صورت احراز شرایط لازم(مانند رعایت تقوای الهی و...) می‌توان آنها را مصادیق عام و نسبی آیه «مع الصادقين» نامید.

۵. نباید فراموش کرد که همراهی و اطاعت از مصادیق نسبی آیه «مع الصادقین» صرفاً در محدوده شریعت مقدس اسلام است و چنانچه آنها دارای ویژگیهای یاد شده و به طور کلی مستلزم تقوای الهی باشند، همراهی آنان لازم است و الا همراهی و اطاعت از آنها جائز نیست. این نکته هم همراهی آنان را مقید و مشروط می‌سازد و در نوع خود بر عدم وجود ویژگی عصمت در آنها دلالت می‌کند.

۶. احتجاج و استدلال امیرالمؤمنین امام علی(ع) بر آیه «مع الصادقین» در حضور جمعی از مهاجرین و انصار، قرینه و دلیل محکمی بر این مطلب است که اهل بیت(ع) مصادیق واقعی و حقیقی و مطلق آیه «مع الصادقین» هستند.

بخش سوم: آیه «مع الصادقین» از دیدگاه مفسران مذهب اهل بیت(ع) و اهل سنت

پس از تبیین و تفسیر آیه و بررسی آن از دیدگاه احادیث و روایات فریقین، در این بخش با رعایت اختصار، آیه «مع الصادقین» را از دیدگاه مفسران مذهب اهل بیت(ع) و اهل سنت بررسی می‌کنیم و سپس به جمع‌بندی دیدگاهها می‌پردازیم. با توجه به اینکه ذکر دیدگاه همه یا بیشتر مفسران فریقین در این اثر ممکن نیست، در این بخش تنها دیدگاه تعدادی از آنها را به اختصار بیان خواهیم کرد.

طهری

دیدگاه مفسران مذهب اهل بیت(ع)

۱. شیخ طوسی(۳۸۵ - ۴۶۰ ق) در تفسیر خود ذیل آیه «مع الصادقین» چنین می‌نویسد:

هذا امر من الله تعالى للمؤمنين المصدقين بالله و المقرين بنبوة نبيه بأن يتقوا معاصي الله و يجتنبوا و ان يكونوا مع الصادقين الذين يصدقون في اخبارهم و لا يكذبون... و قيل: ان المراد بالصادقين هم الذين ذكرهم الله في قوله «رجال صدقوا ما عاهدوا الله عليه فمنهم من قضى نحبه» و هم حمزة و جعفر «و منهم من ينتظر» یعنی علی(ع)، فأمر الله تعالى بالافتداء بهم و الاهتداء بهديهم و هم الذين وصفوا في قوله «ليس البر ان تولوا وجوهكم قبل... الآية الى قوله «ولئك الذين صدقوا» فأمر بالافتداء بهؤلاء... و الصادق هو القائل بالحق العامل. لأنها صفة مدح لا يطلق الا على من يستحق المدح على صدقه. فأما من فسق بارتكاب الكبائر فلا يطلق عليه اسم صادق؛^{۲۹}

این دستوری است از طرف خداوند برای مؤمنان تصدیق کننده وجود خداوند و اقرار کنندگان به نبوت پیامبر او که از معصیت خدا بترسند و اجتناب نمایند و همراه صادقان باشند و صادقان کسانی هستند که در سخنان خود راست می‌گویند و دروغ نمی‌گویند.

گفته شده است که منظور از صادقان کسانی هستند که خداوند متعال آنها را در قول خود ذکر نموده است: «در میان مؤمنان مردانی

هستند که بر سر عهدی که با خدا بستند صادقانه ایستاده‌اند، بعضی از آنها پیمان خود را تا آخر بردند (و به شهادت رسیدند)، منظور از آنها حمزه و جعفر بن ابی طالب (رضی الله عنهما) است، «و بعضی دیگر در انتظارند» یعنی علی (ع). بنابراین خداوند متعال به اقتدای به آنها و هدایت یافتن با هدایت آنها دستور داده است و آنها کسانی هستند که در این آیه وصف شده‌اند: «نیکی (تنها) در این نیست که (به هنگام نماز) روی خود را به سوی مشرق (یا) مغرب کنید، بلکه نیکی (و نیکوکار) کسی است که به خدا و روز قیامت و فرشتگان و کتاب (آسمانی) و پیامبران ایمان آورده و مال (خود) را با همه علاقه‌ای که به آن دارند به خویشاوندان و یتیمان و مسکینان و واماندگان در راه و سائلان و بردگان انفاق می‌کند، نماز را برپای می‌دارند و زکات را می‌پردازند و (همچنین) کسانی که به عهد خود - به هنگامی که عهد بستند - وفا می‌کنند و در برابر محرومیتها و بیماریها و در میدان جنگ استقامت به خرج می‌دهند، اینها کسانی هستند که راست می‌گویند گفتارشان با اعتقادشان هماهنگ است». خداوند نیز به اقتدا نمودن مؤمنان به آنها دستور داده است. و اما صادق کسی است که حق بگوید و به آن عمل نماید چون این واژه صفتی است که فقط برای افراد مستحق و لایق آن اطلاق می‌شود و به کسی که مرتکب گناهان بزرگ شود اسم صادق اطلاق نمی‌شود.

۴. شیخ طبرسی (متوفای ۵۴۸ ق) در تفسیر مجمع البیان در ذیل آیه «مع الصادقین» چنین می‌نویسد:

و معناه: کونوا علی مذهب من یتعمل الصدق فی اقواله و افعاله و صاحبوهم و رفقوهم کقولک: أنا مع فلان فی هذه المسئلة: ای اقتدی به فیها؛ معنای آیه چنین است: بر مذهب کسی باشید که صدق و راستی را در سخنان و افعال خود به کار می‌گیرد، و با آن دوست و رفیق باشید. مانند قول کسی که می‌گوید: من در این مسئله با فلانی هستم - یعنی در این مورد به او اقتدا می‌کنیم.

شیخ طبرسی (ره) پس از بیان این مطلب، همانند شیخ طوسی (ره)، با استدلال به آیاتی از قرآن کریم و بیان دیدگاههایی در خصوص مصادیق آیه «مع الصادقین» چنین می‌گوید:

عن ابن عباس قال: کونوا مع الصادقین: مع علی و اصحابه و روی جابر عن ابی جعفر (ع) فی قوله: کونوا مع الصادقین قال: مع آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم؛^{۳۰} از ابن عباس روایت شده است که گفت: با صادقان باشید - یعنی با علی و اصحاب علی باشید. همچنین از امام باقر (ع) نقل شده است که ذیل همین آیه فرمود: «با راستگویان باشید، یعنی با آل محمد (ص) باشید.»

۳. علامه سید عبدالله شبر (ره) می‌نویسد:

«یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله» فی معاصیه «و کونوا مع الصادقین» فی الایمان و القول و العمل و عن ابن عباس: مع علی و اصحابه و عنهم (علیهم السلام) مع آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم؛^{۳۱}

«ای کسانی که ایمان آورده اید! از خداوند بترسید در مورد گناه و معصیت او و با صادقان باشید» یعنی با صادقانی باشید که در ایمان، سخن و عمل راستگو هستند. از ابن عباس روایت شده است که گفت: با علی و اصحاب علی باشید و از اهل بیت(ع) روایت شده است که فرمودند: با آل محمد(ص) باشید.

۴. علامه سید محمدحسین طباطبایی در تفسیر المیزان در خصوص آیه «مع الصادقین» چنین می‌نویسد:

«ای کسانی که آورده اید! از(مخالفت فرمان خدا) بترسید و با صادقان باشید: کلمه صدق در اصل به معنای مطابقت سخن و خبر و (واقعیت) خارج است و کسی که سخن او با خارج مطابق باشد، با عنوان صادق وصف می‌شود. اما از آنجا که به طور مجاز اعتقاد، عزم و اراده را هم قول(سخن) نامیده‌اند، در نتیجه صدق را در آن موارد نیز استعمال کرده و انسانی را که عملش مطابق با اعتقادش باشد و یا کاری را که انجام می‌دهد به طور جدی با اراده و تصمیم او مطابق باشد، صادق نامیده‌اند. اما در آیه شریفه، اطلاق تقوا و اطلاق کلمه «صادقین» و نیز اینکه به طور مطلق می‌فرماید: با صادقان باشید همه قرینه‌هایی هستند که دلالت می‌کنند مقصود از صدق، معنای مجازی و وسیع آن است نه معنای لغوی خاص آن.

بنابراین آیه شریفه به مؤمنان دستور می‌دهد که تقوا پیشه نمایند و از صادقان در گفتار و کردارشان پیروی کنند. و این غیر از آن است که بفرماید: شما نیز مانند صادقین متصف به وصف صدق باشید؛ چه اگر آن بود، باید چنین بفرماید: از صادقان باشید، نه اینکه بفرماید: با صادقان باشید، و این مطلب واضح است.^{۳۳}

علامه طباطبایی در بخش روایات، درباره همین آیه به نقل از تفسیر برهان، می‌نویسد:

عن ابن عمر قال: «یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله» قال: امر الله الصحابة ان یخافوا الله، ثم قال: «و کونوا مع الصادقین» یعنی مع محمد و آل بیهة علیهم السلام؛

از عبدالله بن عمر نقل شده است که می‌گوید: «ای کسانی که ایمان آورده اید!» خداوند(در این قسمت از آیه) به اصحاب دستور می‌دهد که تقوای الهی را مراعات کنند. «و با راستگویان باشید»، یعنی با محمد و اهل بیت او(ع) باشید.

در این معنا روایات زیادی از امامان اهل بیت(ع) وارد شده است و در تفسیر الدر المنثور از ابن مردویه به نقل از عبدالله بن عباس و نیز از ابن عساکر به نقل از امام باقر(ع) نقل شده است که درباره آیه «با راستگویان باشید» فرمودند: با علی بن ابی طالب باشید.^{۳۳}

۵. آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی(از مفسران معاصر) نیز در تفسیر نمونه، ذیل آیه

«مع الصادقین» می‌نویسد:

مفهوم صادقین... مفهوم وسیعی است، ولی از روایات بسیاری استفاده می‌شود که منظور از این مفهوم در اینجا تنها معصومان هستند...

طهر

اگر مفهوم صادقین در آیه عام باشد و همه مؤمنان راستین و با استقامت را شامل گردد، باید گفته شود: «و کونوا من الصادقین» یعنی از صادقان باشید، نه با صادقان باشید.

این خود قرینه روشنی است که صادقین در آیه به معنای گروه خاصی است. از سوی دیگر، منظور از همراه بودن این نیست که انسان همنشین آنها باشد، بلکه بدون شک منظور آن است که همگام آنها باشید آیا اگر کسی معصوم نباشد، ممکن است بدون قید شرط، دستور پیروی و همگامی با او صادر شود؟ آیا این خود دلیل بر آن نیست که این گروه تنها معصومان اند؟!^{۳۴}

دیدگاه مفسران مذهب اهل سنت

۱. محمد بن جریر طبری (متوفای ۳۱۰ ق)، در تفسیر خود، ذیل آیه شریفه «مع الصادقین»، پس از بیان و تفسیر آیه، تأویلات ذیل را درباره صادقان چنین بر می‌شمارد:

(الف) از نافع روایت شده است که: با پیامبر و اصحاب او باشید.

(ب) از ضحاک نقل شده است که: با ابوبکر و عمر و اصحاب آن دو باشید.

(ج) از سعید بن جبیر نقل شده است که: با ابوبکر و عمر باشید.

(د) از ابن جریج نقل شده است که: با مهاجران و انصار باشید.

طبری پس از ذکر این تأویلات می‌گوید:

و الصحیح من التأویل عن ذلک هو التأویل الذی ذکرناه عن نافع و الضحاک؛^{۳۵} تأویل صحیح در این مورد همان تأویلی است که از نافع و ضحاک ذکر کرده‌ایم.

۲. ابولیت نصر بن محمد سمرقندی (متوفای ۳۷۵ ق)، پس از ارائه توضیحات مختصر درباره آیه «مع الصادقین»، بدون اختیار نمودن دیدگاه خاص درباره صادقان به ذکر تأویلات و معانی ذیل می‌پردازد:

۱. ضحاک (یکی از تابعان) می‌گوید: «کونوا مع الصادقین» یعنی با کسانی باشید که نیات آنها درست و دلها و اعمال آنها مستقیم باشد و نیز همراه پیامبر اکرم (ص) با اخلاص و نیت (پاک) به جنگ رفته باشند.

۲. گفته می‌شود که این جمله خطاب به منافقان - کسانی که با دروغ عذر تراشی می‌کنند - است و معنای آن چنین است: ای کسانی که در ظاهر ایمان آورده اید! از خدا بترسید و با سه نفر (مذکور در آیه قبلی یعنی آیه ۱۱۸ سوره توبه) باشید که آنها راست گفته‌اند.

۳. از کعب بن مالک نقل شده است که گفت: آیه «و کونوا مع الصادقین» درباره ما نازل شده است.

۴. کلبی گفته است: مراد این است: با آن دسته از مهاجران و انصار باشید که به سوی دو

قبله نماز خوانده‌اند.

۵. مقاتل گفته است: منظور از صادقان کسانی است که خداوند آنها را در آیه پانزدهم سوره

حجرات وصف نموده است: «مؤمنان واقعی تنها کسانی هستند که به خدا و رسولش ایمان

آورده‌اند، سپس هرگز شک و تردیدی به خود راه نداده و با اموال و جانهای خود در راه خدا جهاد کرده‌اند: آنها راستگویان‌اند.»

۶ گفته شده است: مراد این است: با صادقان در ایمانشان با هم باشید، و منظور از آنها ابوبکر، عمر، عثمان و علی (رض) است.

۷ و نیز از ضحاک نقل شده است که درباره «کونوا مع الصادقین» گفت: مؤمنان مأمورند که با ابوبکر و عمر و اصحاب آن دو باشند. ۳۶

۳. فخر رازی (۵۴۴ - ۶۰۴ ق) پس از تفسیر و تبیین آیه «مع الصادقین» می‌گوید:

فكانت الآية دالة على كونهم صادقين فهذا يدل على انه واجب على
جائز الخطاء كونه مع المعصوم عن الخطاء حتى يكون المعصوم عن
الخطاء مانعاً لجائز الخطاء عن الخطاء وهذا المعنى قائم في جميع الأزمان
فوجب حصوله في كل الأزمان؛

این آیه دلالت دارد که آنها راستگو باشند و این هم دلالت بر این
دارد که باید هر فرد جائز الخطا همراه یک فرد معصوم از خطا باشد تا در
پرتو آن، معصوم از خطا جائز الخطا را از خطایش باز دارد و این معنا در
همه زمانها خواهد بود. بنابراین واجب است که این امر (وجود معصوم از
خطا) در هر زمان وجود داشته باشد.

وی در ادامه می‌نویسد: نحن نعترف بأنه لا بد من معصوم في كل
زمان الا أنا نقول: ذلك المعصوم هو مجموع الأمة... و ذلك يدل على ان
قول مجموع الأمة حق و صواب و لا لقولنا الإجماع حجة الا ذلك؛ ۳۷

و ما اعتراف می‌کنیم که باید در همه زمانها یک معصوم وجود داشته باشد،
اما می‌گوییم که این معصوم مجموع امت (اسلامی) است... همچنین این دلالت
می‌کند که همانا قول و سخن مجموع امت حق و درست است و برای قول ما -
که اجماع حجت می‌باشد - دلیلی غیر از این نیست.

۴. ابوعبدالله محمد بن احمد أنصاری قرطبی (متوفای ۶۷۱ ق) پس از توضیحات مختصر در
خصوص آیه «مع الصادقین» به ذکر اقوال مختلف ذیل درباره صادقان می‌پردازد:

۱. این آیه خطاب به آن دسته از اهل کتاب است که ایمان آورده‌اند.
۲. آیه مورد بحث خطاب به همه مؤمنان است و منظور از صادقان کسانی هستند که با پیامبر اسلام (ص) برای جنگ خارج شدند... یعنی بر راه و روش آنها باشید.
۳. آیه بدین معناست: با انجام اعمال صالح در بهشت با پیامبران الهی باشید.
۴. مراد از صادقان همان کسانی است که در آیه ۱۷۷ سوره بقره وصف شده‌اند (که قبلاً گذشت).
۵. مراد از صادقان کسانی هستند که طبق آیه ۲۳ سوره احزاب به عهد و پیمان خود وفادار ماندند.
۶. مراد از صادقان مهاجران هستند، همان طوری که ابوبکر در روز سقیفه این مطلب را گفته است.
۷. مراد از صادقان کسانی است که ظاهر (اشکار) و باطن (خلوت) آنها مساوی باشد.

طرح

وی در پایان می‌گوید:

و اما تفسیر ابی بکر الصدیق فهو الذی یعم الأقوال کلها فان جمیع الصفات فیهم موجودة^{۳۸}

قول ابوبکر(قول ۶) قوی است که همه اقوال را در برمی گیرد و همانا همه صفات مذکور در آنها(مهجران) موجود است.

۵ ابوسعید عبدالله بن عمر بیضاوی(متوفای ۱۷۹۱ ق) نیز در خصوص آیه «مع الصادقین» می‌نویسد: یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله» فیما لا یرضاه «و کونوا مع الصادقین» فی ایمانهم و عهودهم او فی دین الله نية و قولاً و عملاً و قرىء من الصادقین: ای فی توبتهم و انابتهم، فیکون المراد به هؤلاء الثلاثة و اضربهم^{۳۹} (ای کسانی که ایمان آورده اید! از خدا بترسید) در مواردی که خداوند به آنها رضایت ندارد(و با صادقان باشید) در ایمان و عهد و پیمانشان و یا در دین خدا از نظر نیت، سخن و عمل(با صادقان) باشید. همچنین(این قسمت آیه به صورت) «من الصادقین» - یعنی از صادقان باشید - قرائت شده است، یعنی در توبه و انابه از صادقان باشید. بنابراین، منظور از صادقان(طبق این قرائت) همان سه نفر یعنی کعب بن مالک، مرارة بن ربیع و هلال بن امیه که با بهانه‌های مختلف از شرکت در جنگ تبوک روی گرداندند و سپس از کار زشت خود توبه نمودند و امثال آنها خواهد بود.

بررسی مجموع دیدگاهها

آنچه می‌توان به عنوان جمع‌بندی و نتیجه‌گیری از دیدگاههای مذکور به دست آورد، چند نکته است:

۱. همان طوری که ملاحظه شد، مفسران مذهب اهل بیت(ع) در خصوص آیه «مع الصادقین» در بیان مصادیق حقیقی و اکمل آیه کوشیده‌اند، ولی در عین حال دیدگاه برخی از آنان با وجود اشاره به مصادیق حقیقی این آیه، به صورت روشن و واضح بیان نشده و صرفاً به نقل روایات مربوطه بسنده کرده‌اند.

۲. اما مفسران مذهب اهل سنت بیشتر در جهت تبیین مصادیق عام آیه «مع الصادقین» و کوشش نموده و در ضمن برخی از آنان به مصادیق حقیقی آیه مورد بحث نیز اشاراتی کرده‌اند.

۳. همچنین دیدگاه برخی از مفسران اهل سنت(به خصوص دیدگاه فخر رازی) از نظر علم

و منطق توجیهی ندارد که در بخش آینده به نقد و بررسی آن خواهیم پرداخت.

۴. به طور کلی به جرأت می‌توان گفت که مفسران مذکور درباره آیه شریفه «مع

الصادقین» تفسیر کامل و همه جانبه ای ارائه نداده‌اند. عده ای از آنها بر مصادیق حقیقی و اکمل

آیه تأکید ورزیده و عده دیگر بدون توجه به مصادیق حقیقی و اکمل آیه، در مقام تفسیر و تبیین

مصادیق عام و نسبی آن برآمده‌اند.

بخش چهارم: نقد و بررسی شبهات، ابهامات و سوالات مربوط به آیه «مع الصادقین»
 آنچه در سه بخش گذشته درباره آن بحث شد، شامل مطالبی در خصوص تفسیر و تبیین آیه «مع الصادقین» و بررسی آن از دیدگاه روایات و مفسران دو مذهب اهل بیت(ع) و اهل سنت بود. در این بخش به نقد و بررسی شبهات، ابهامات و سوالاتی خواهیم پرداخت که درباره دیدگاه مذهب اهل بیت(ع) در خصوص آیه مطرح شده و یا ممکن است در ذهن هر خواننده‌ای وجود داشته باشد.

۱. با وجود آیات روشن قرآن کریم، چه نیازی به روایات و احادیث است؟

همان گونه که قبلاً گذشت، در تعدادی از آیات نورانی قرآن کریم (مانند احزاب: ۲۳، بقره: ۱۷۷، حجرات: ۱۵، حشر: ۸ و...) افراد صادق(راستگو) به صورت روشن با ویژگی‌هایی معرفی شده‌اند. از طرف دیگر، در حدیث شریف از رسول اکرم(ص) چنین می‌خوانیم:

ان القرآن لم ينزل ليكذب بعضه بعضا و لكن نزل يصدق بعضه بعضا...^{۴۰} همانا قرآن برای این نازل نشده است که برخی از(آیات) آن، برخی دیگر را تکذیب کند و لکن نازل شده است تا برخی از(آیات) آن، برخی دیگر را تصدیق و تأیید نماید.

بنابراین با تمسک به آیات مذکور به خوبی می‌توان منظور از راستگویان در آیه «مع الصادقین» را مشخص کرد. با وجود این، چه نیازی به احادیث و روایاتی هست که در آنها مصادیق مختلف راستگویان مورد اشاره در آیه «مع الصادقین» معرفی شده‌اند؟

نقد و بررسی

در پاسخ به این سؤال باید بگوییم:

۱. مسئله بی‌نیازی از روایات و سنت و اکتفا به قرآن، امر خطرناکی است که به دنبال وفات پیامبر عظیم‌الشأن اسلام(ص) مطرح شده و از نظر قرآن، سنت و عقل سلیم کاملاً باطل و بی‌اساس است. آری، ما می‌پذیریم که قرآن در درجه نخست مفسر خود است، اما معنای آن چنین نیست که به طور کامل از سنت(روایات) بی‌نیاز باشد. تفسیر قرآن با قرآن را پیامبر اکرم(ص) و امامان معصوم(ع) به ما یاد داده‌اند و این هم به واسطه سنت(احادیث و روایات) به ما رسیده است. اگر معانی همه آیات قرآن کریم به صرف تمسک به خود قرآن کریم حل می‌شد، پیامبر اکرم(ص) در حدیث متواتر و صحیح ثقلین، هرگز در کنار قرآن کریم، درباره اهل بیت(ع) خود سفارش‌های مؤکد نمی‌کرد.

۲. همان گونه که قبلاً ذکر شد، آیات نورانی قرآن کریم، علاوه بر معانی ظاهری، مشتمل بر معانی باطنی است که بدون شک قسمت عمده این معانی باطنی از طریق احادیث و روایات

طرح

به دست ما می‌رسد. از طرف دیگر قبلاً گذشت که آیات نورانی قرآن کریم دارای مراتب مختلف است که این هم یکی از عوامل باقی ماندن قرآن کریم تا امروز و تا روز قیامت بوده و خواهد بود.

۳. بدون شک صفات و ویژگیهای مطرح شده در آیات مورد بحث دارای مراتبی است. ممکن است بعضی در قله آن ویژگیها قرار گرفته باشند که آنها همان معصومان(ع) اند و بعضی در مراحل و مراتب پایین قرار بگیرند که بدون شک آنها افراد عادی - غیر از معصومان(ع) - هستند. معصومان(ع) بهتر از همه به عقاید، گفتار و کردار خود اهمیت می‌دادند و همواره گفتار و عقاید آنها با کردار و رفتارشان هماهنگ بوده است، به طوری که در این مورد، اندک اشتباه و سهل انگاری از آنها رخ نداده است. البته از افراد معصوم انتظاری غیر از این نمی‌رود. بنابراین آنها صادقان حقیقی امت اسلامی هستند.

اما سایر امت اسلامی در مرتبه ای از مراتب و مراحل صدق و صداقت‌اند و صادق به حساب می‌آیند. در این مورد می‌توان از حمزه سید الشهدا، جعفر بن ابی طالب، عمار یاسر، ابوذر غفاری، سلمان، مقداد و دیگران(رض) نام برد که تا آخرین نفس در راه خدا قدم برداشتند و گفتار و عقاید خود را با کردار و رفتارشان هماهنگ ساختند. ولی بدون شک آنها صادقان حقیقی مورد اشاره در آیه «مع الصادقین» نیستند و در کنار افراد معصوم از هر گونه خطا و گناه و اشتباه، همچون پیامبر اکرم(ص)، امام علی بن ابی طالب(ع)، امام حسن(ع)، امام حسین(ع) و...، از مرحله و مرتبه پایین‌تری از صدق و صداقت برخوردار بوده‌اند.

۴. اگر منظور از صادقان همه افراد مهذب و پرهیزگار امت اسلامی باشد، با یک مشکل اساسی روبه رو می‌شویم و آن این است که خداوند در آیه شریفه «مع الصادقین» به طور مطلق دستور می‌دهد که مؤمنان با صادقان باشند؛ در حالی که حتی افراد مهذب و پرهیزگار ممکن است بر اثر عاملی غفلت کنند و دچار خطا، گناه و اشتباه شوند، چون آنها دارای مقام عصمت نیستند. در این حال چگونه ممکن است که خداوند متعال به طور مطلق همراهی و اطاعت از افراد جائز الخطا را به مؤمنان و امت اسلامی دستور داده باشد؟

اما اطاعت و همراهی معصومان(ع) چنین اشکالی ندارد. در اینجا باید از مفسر معروف اهل سنت، جناب فخر رازی(۵۴۴-۶۰۴ ق)، تمجید به عمل آورد که درباره آیه شریفه «مع الصادقین» سخنی گفته است که پیش از این گذشت.^{۴۱} البته جناب فخر رازی در ادامه استنتاج خود دچار اشتباه شده است که نقد آن را در همین فصل ارائه خواهیم داد.

بنابراین باید گفت که راستگویان مورد اشاره در آیه «مع الصادقین» دو نوع مصداق دارند: مصداق اول آن افراد معصوم پیامبر اسلام و اهل بیت عصمت و طهارت(ع) اند که چون مصداق

حقیقی آیه‌اند همراهی آنها مطلق و بدون قید و شرط است. این هم معنای مورد استفاده از ظاهر آیه شریفه «مع الصادقین» است.

مصدق دوم آن، سایر افراد دارای ویژگی‌هایی خاص (افراد پرهیزگار و با تقوا) هستند که همراهی آنان تنها در چهار چوب شریعت مقدس اسلام است و این افراد مصادیق نسبی آیه «مع الصادقین» به حساب می‌آیند. با این توضیحات دیگر جایی برای سؤال مطرح شده باقی نمی‌ماند.

۲. آیا منظور از راستگویان مجموع امت اسلامی است؟

همان گونه که قبلاً گذشت، مفسر معروف اهل سنت جناب فخر رازی (۵۴۴ - ۶۰۴ ق)، در مورد آیه «مع الصادقین» نظریه‌ای نیمه صحیح ارائه داده است که در اینجا خلاصه آن را بیان می‌کنیم: طبق آیه «مع الصادقین» باید هر فرد جائز الخطا و غیر معصوم، همراه یک فرد معصوم باشد تا بدین وسیله فرد معصوم او را از خطا و گناه باز دارد و این امر باید در همه زمانها وجود داشته باشد. اما منظور از آن معصوم، مجموع امت اسلامی (اهل حل و عقد) است، نه یک فرد مشخص.^{۴۲}

نقد و بررسی

در پاسخ به این شبهه ذکر چند نکته را ضروری می‌دانیم:

۱. فخر رازی در نیمه اول استدلال خود آیه «مع الصادقین» را خوب درک نموده و راه را تا نیمه آن درست و منطقی پیموده است، اما متأسفانه در نیمه دوم آن راه را اشتباه رفته و در نتیجه سخنی را مطرح کرده است که با هیچ منطق و عقل سلیمی سازگاری ندارد.
۲. اگر منظور از صادقان مجموع امت باشد، خود این پیرو نیز جزء آن مجموع است و در واقع پیرو جزئی از پیشوا می‌شود و اتحاد تابع و متبوع خواهد شد؛ در حالی که ظاهر آیه (مع الصادقین) این است که پیروان از پیشوایان و تابعان از متبوعان جدا هستند.^{۴۳}
۳. بدون شک طبق گفته فخر رازی باید در هر زمانی یک معصوم از خطا وجود داشته باشد تا افراد غیر معصوم و جائز الخطا تابع آن معصوم باشند و بدین وسیله از خطاها مصون بمانند. اما هیچ عقل و منطقی نمی‌گوید که مجموع امت اسلامی (اهل حل و عقد) مصون از خطا و گناه هستند، چون مجموع امت اسلامی مرکب از افراد است و همه افراد نیز معصوم از خطا نیستند. حال چگونه و با چه استدلالی می‌توان ادعا نمود که امت متشکل از افراد غیر معصوم در مجموع (و به صورت اهل حل و عقد)، صفت عصمت را که صفتی حقیقی است به خود می‌گیرند؟ البته این سخنان در حالی منطقی است که منظور فخر رازی همراهی مطلق مجموع امت اسلامی باشد. اگر مجموع امت اسلامی (اهل حل و عقد) را با در نظر گرفتن شرط رعایت تقوای

طهری

الهی، مصداق آیه «مع الصادقین» معرفی کنیم، در این صورت همراهی آنان، مشروط به رعایت تقوای الهی خواهد بود. از طرف دیگر، در این صورت نمی‌توان آنها را به عنوان مصداق حقیقی و اکمل آیه مورد بحث معرفی نمود، بلکه آنان در این صورت مصداق نسبی آیه به حساب خواهند آمد.

۳. آیا اصحاب پیامبر اکرم(ص) مصادیق حقیقی راستگویان هستند؟

چنان که قبلاً گذشت، در تعدادی از روایات موجود در منابع تفسیری و حدیثی، اصحاب پیامبر عظیم الشان اسلام(ص) به عنوان مصادیق راستگویان در آیه «مع الصادقین» معرفی شده‌اند. حتی در برخی از آنها اصحاب بعضی از اصحاب نیز به عنوان مصداق آیه معرفی شده‌اند. بر اساس همین روایات، تعدادی از مفسران مذهب اهل سنت، اصحاب(اعم از مهاجران و...) را در تفسیر آیه «مع الصادقین»، مصادیق راستگویان دانسته‌اند.^{۴۴}

به طور اساسی باید پرسید که آیا اصحاب پیامبر اکرم(ص) - اعم از مهاجران و انصار - را می‌توان به عنوان مصادیق واقعی و اکمل آیه معرفی نمود؟

نقد و بررسی

۱. با توجه به اینکه سخن مورد بحث در این قسمت مربوط به اصحاب پیامبر اسلام(ص) می‌شود، مناسب است که دیدگاه قرآن کریم را به صورت اجمالی درباره صحابه جویا شویم. بر اساس آیات نورانی قرآن کریم، اصحاب پیامبر اسلام(ص) چند دسته مختلف و متفاوت بوده‌اند:

الف. اصحاب با ایمان و مجاهد

بسیاری از صحابه پیامبر عظیم الشان اسلام(ص) برای تشکیل حکومت اسلامی و گسترش اسلام مجاهدتها و تلاشهای فراوانی انجام دادند و با ایثار جان و مال خویش اهداف عالی و منبع رسول خدا(ص) را پیگیری نمودند. قرآن کریم درباره این گروه که از روزهای آغازین و سخت پروانه وار به گرد رسول خدا(ص) می‌گشتند، می‌فرماید:

السابقون الأولون من المهاجرین و الأنصار و الذین اتبعوهم باحسان
رضی الله عنهم و رضوا عنه و اعد لهم جنات تجری من تحتها الأنهار
خالدين فیها ابدًا ذلک الفوز العظیم؛^{۴۵}

پیشگامان نخستین از مهاجرین و انصار و کسانی که به نیکی از آنها پیروی کردند، خداوند از آنها خشنود گشت و آنها را از او خشنود شدند، و باغهایی از بهشت برای آنان فراهم ساخته که نهرها از زیر درختانش جاری است، جاودانه در آن خواهند ماند؛ و این است پیروزی بزرگ.

و همچنین خداوند متعال در شأن آنان که به عشق دین خدا، خانه و کاشانه و زندگی و دارایی خویش را رها کردند و همراه رسول خدا مهاجرت نمودند می فرماید:

للفقراء المهاجرین الذین اخرجوا من ديارهم و اموالهم بیتون فضلاً
من الله و رضواناً و ینصرون الله و رسوله اولئک هم الصادقون؛^{۴۶}
این اموال برای فقیران مهاجری است که از خانه و کاشانه و اموال
خود بیرون رانده شدند، در حالی که فضل الهی و رضای او را می طلبند و
خدا و رسولش را یاری می کنند و آنها راستگویان اند.

ب. اصحاب منافق

از آیات قرآن کریم استفاده می شود که در بین اصحاب پیامبر(ص) انسانهای دو چهره ای بودند که به اسلام و پیامبر اکرم(ص) ایمان واقعی نداشتند و در ظاهر جزء اصحاب محسوب می شدند:

و ممن حولکم من الأعراب منافقون و من اهل المدینة مردوا علی النفاق
لا تعلمهم نحن نعلمهم سنعذبهم مرتین ثم یردون الی عذاب عظیم؛^{۴۷}
برخی از بادیه نشینانی که پیرامون شما هستند منافق اند و از ساکنان
مدینه نیز عده ای بر نفاق خو گرفته اند. تو آنان را نمی شناسی، ما آنان را
می شناسیم. به زودی آنان را دو بار عذاب می کنیم، سپس به عذابی بزرگ
باز گردانیده می شوند.

روشن است زمانی که رسول خدا(ص) منافقان را نمی شناخت، مسلمانان نیز آنها را نمی شناختند و آنان را جزو صحابه راستین و واقعی به حساب می آوردند. جالبتر اینکه این آیه پس از تعریف و تمجید از اصحاب پیامبر اسلام(ص) آمده است.

ج. اصحاب بیمار دل

در قرآن کریم می خوانیم: گروهی از اصحاب پیامبر اسلام(ص) با اینکه از منافقان نیستند، ولی قلوبشان بیمار است و ضعیف الایمان هستند:

و اذ یقول المنافقون و الذین فی قلوبهم مرض ما وعدنا الله و رسوله الا غرورا؛^{۴۸}
و زمانی که منافقان و بیمار دلان می گفتند: خدا و پیامبرش جز
وعده های دروغین به ما نداده اند.

در ضمن همان گونه که ملاحظه می شود، در این آیه شریفه به گروه دو چهره و منافق نیز در کنار گروه بیمار دل تصریح شده است.

طهری

سال چهارم - شماره ۱۴ و ۱۳ - بهار و تابستان ۸۴

د. اصحاب فاسق و گنهگار

قرآن کریم به مسلمانان دستور می‌دهد که از خبر افراد فاسق پرهیز کنند و بدون تحقیق و بررسی حرف آنان را نپذیرند:

يا ايها الذين آمنوا ان جائكم فاسق نبأ فتنينوا ان تصيبوا قوماً
بجهالة فتصبحوا على ما فعلتم نادمين؛^{۴۹}

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر شخص فاسقی خبری برای شما
بیاورد درباره آن تحقیق کنید، مبادا به گروهی از روی نادانی آسیب
برسانید و از کرده خود پشیمان شوید.

مفسران مذهب اهل بیت(ع) و اهل سنت همگی گفته‌اند این آیه درباره ولید بن عقبه نازل
شده و او را به عنوان فاسق معرفی نموده است. همچنین قرآن کریم در سوره نور از وجود افراد
فاسق و فاجری در میان صحابه خبر می‌دهد که به همسر رسول خدا(ص) تهمت زدند: «ان
الذين جاؤا بالافك عصبه منكم؛^{۵۰} کسانی که آن تهمت عظیم(درباره عایشه، همسر پیامبر) را
 مطرح کردند، گروهی از شما بودند...».

علاوه بر این، تعدادی از روایات موجود در منابع فریقین نیز وجود افراد منحرف در میان
اصحاب پیامبر اکرم(ص) را تأیید می‌کنند. در اینجا ذکر یک روایت مناسب به نظر می‌رسد:

عن ابی هريرة... قال رسول الله(ص) : برد علی يوم القيامة رهط من
اصحابی فيحلون عن الحوض فاقول: يا رب اصحابی، فيقول: انك لا علم
لك بما احدثوا بعدك، انهم ارتدوا علی اذبارهم القهقري؛^{۵۱}

ابو هریره نقل می‌کند که پیامبر اکرم(ص) فرمود: روز قیامت
گروهی از اصحاب من بر من وارد می‌شوند، اما آنها از حوض باز داشته
می‌شوند. می‌گویم: پروردگارا! (آنها) اصحاب من هستند. خداوند می‌فرماید:
تو نمی‌دانی که آنها پس از تو چه کردند، آنها(پس از وفات تو) به صورت
قهقرایی به عقب برگشتند و مرتد شدند.

خداوند متعال در قرآن کریم خطاب به همسران پیامبر اسلام(ص) می‌فرماید:

يا نساء النبی من یات منكن بفاحشة مبينة یضاعف لهما العذاب ضعفین...؛^{۵۲}
ای همسران پیامبر، هر کس از شما مبادرت به کار زشت آشکاری
کند، عذابش دو چندان خواهد بود... .

همچنین در خصوص همسر حضرت نوح(ع) و لوط(ع) چنین می‌فرماید:

ضرب الله مثلاً للذین کفروا امرأت نوح و امرأت لوط کاتتا تحت
عبدین من عبادنا صالحین فخانتاهما فلم یغنی عنهما من الله شیئاً و قیل
ادخلا النار مع الداخلین؛^{۵۳}

خداوند مثلی برای کسانی که کافر شده‌اند، زده است، مثل به همسر نوح
و همسر لوط. آنها تحت سرپرستی دو بنده از بندگان صالح ما بودند، ولی به

آن دو خیانت کردند و ارتباط آنها با این دو (پیامبر الهی) سودی به حالشان نداشت. و به آنها گفته شد: وارد آتش شوید، همراه کسانی که وارد می‌شوند...

با توجه به آیات و روایت مذکور و نیز با در نظر گرفتن حقایق انکار ناپذیر تاریخی در خصوص اختلاف میان اصحاب پیامبر اسلام (ص)، چنین نتیجه می‌گیریم که همراهی پیامبر عظیم‌الشان اسلام (ص) افتخار بسیار بزرگی به حساب می‌آید، ولی این مصاحبت و همراهی تضمین کننده حال و احوال و آینده صحابه نیست و در عین حال همراهی پیامبر اسلام (ص) و یا هر پیامبر الهی و یا شخصیت والا مقام الهی، آن شخص را از ارتکاب به گناه و ظلم و انحراف مصون نمی‌سازد. بدون شک همسر هر شخصی نسبت به اصحاب و دوستان او به او نزدیک‌تر است و این تصریح قرآن کریم است که حتی ارتباط همسر نوح و همسر لوط با آن پیامبران الهی، سودی به حالشان نداشت.

همچنین خداوند متعال به صورت صریح همسران پیامبر اسلام (ص) را از مبادرت به معصیت آشکار نهی می‌کند. به همین جهت نباید فراموش کرد که همه اصحاب پیامبر اسلام (ص) نمی‌توانند الگوی عملی امت اسلامی قرار بگیرند. چون در میان آنها طبق تصریح آیات نورانی قرآن کریم، افراد منافی، مریض دل و فاسق نیز وجود داشته‌اند.

بر اساس این توضیحات می‌گوییم که اصحاب پیامبر اسلام (ص) - اعم از زن و مرد و مهاجر و انصار و نیز اصحاب آنها - نمی‌توانند به عنوان مصادیق حقیقی و اکمل آیه «مع الصادقین» تلقی شوند چون خداوند متعال هیچ گاه همراهی افراد غیر معصوم را بدون هیچ قید و شرطی دستور نداده است و اگر اصحاب آن حضرت (ص) و نیز یاران اصحاب در مسیر تقوای الهی قدم برداشته و از هر گونه ظلم، انحراف و صفات زشت دور باشند، در این صورت می‌توان آنها را به عنوان مصادیق نسبی آیه «مع الصادقین» به حساب آورد. البته در این حال نیز همراهی آنان صرفاً در چهار چوب شریعت مقدس اسلام خواهد بود و بدون شک در میان اصحاب پیامبر اسلام (ص) چنین اشخاصی وجود داشته‌اند.

۲. از طرف دیگر آنچه اصحاب پیامبر اسلام (ص) را از این موضوع (مصادیق حقیقی و اکمل آیه) خارج می‌سازد، این است که آیه «مع الصادقین» از نظر مفهوم عام است و شامل همه زمانها می‌شود، در حالی که اصحاب پیامبر اسلام (ص) و نیز یاران آنها تنها به مدت مختصری در میان امت اسلامی بوده‌اند و تقریباً یکی دو قرن پس از وفات پیامبر اسلام (ص) وفات نموده‌اند.^{۵۴}

با این حال معلوم نیست که امت اسلامی بعدها باید از کدام مصادیق واقعی آیه «مع الصادقین» پیروی کنند و با آنها همراهی نمایند؟ در حالی که چنین مشکلی در خصوص اهل بیت عصمت و طهارت (ص) به وجود نمی‌آید و همواره یکی از آنها برای امت اسلامی در قید حیات بوده و می‌باشد.

۳. ذکر این مطلب نیز ضروری است که منظور از بررسی احوال و شخصیت اصحاب پیامبر اسلام (ص) بی احترامی به آنان نیست و بلکه صرفاً جهت روشن شدن حقیقت است. نباید

طهر

فراموش کرد که بازگو کردن حقایق قرآنی، روایی و تاریخی در خصوص اصحاب پیامبر اسلام(ص) به صورت منطقی و مستدل، غیر از توهین، نفرین و بی احترامی به آنان است.

بخش پایانی: نتایج کلی مباحث گذشته

نکته‌های زیر از مطالب و مباحث گذشته به دست می‌آید:

۱. راستگویان(صادقین) مورد اشاره در آیه «مع الصادقین» دارای دو نوع مصداق‌اند که یکی از آنها مصداق اکمل و حقیقی و دیگری مصداق نسبی شمرده می‌شود.
۲. مصداق حقیقی آیه «مع الصادقین» پیامبر عظیم‌الشان اسلام و اهل بیت عصمت و طهارت(ع) هستند که همراهی آنان به صورت مطلق و بدون قید و شرط است. لیکن مصداق نسبی آن شامل همه افراد با تقوا و پرهیزگار است که همراهی آنان به خاطر تقیید به رعایت پرهیزگاری و تقوای الهی، نسبی نامیده می‌شود.
۳. همراهی مطلق و بدون قید و شرط راستگویان، پیامبر اسلام و اهل بیت عصمت و طهارت(ع)، در نوع خود بر عصمت آنها دلالت دارد. چون خداوند متعال همراهی مطلق و بدون قید و شرط افراد غیر معصوم را هیچ‌گاه بر امت اسلامی واجب نمی‌سازد. اما همراهی دیگران(مصادیق نسبی آیه «مع الصادقین») تنها در چهار چوب شریعت مقدس اسلام است.
۴. همراهی مورد اشاره در آیه «مع الصادقین» به معنای پیروی و اطاعت است که این اطاعت در خصوص مصادیق حقیقی آن، مطلق و بدون قید و شرط، ولی در خصوص مصادیق نسبی آن تنها در چهار چوب شریعت مقدس اسلام است.
۵. به طور کلی منطقی نیست که خداوند متعال امت اسلامی را ابتدا به رعایت تقوای الهی دستور دهد و سپس آنها را به همراهی بدون قید و شرط با افراد غیر معصوم مأمور سازد. بنابراین همراهی راستگویان غیر معصوم حتماً باید در چهار چوب شریعت مقدس اسلام باشد.

پی نوشتها:

۱. توبه، آیات ۱۱۸ - ۱۱۹.
۲. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، شیخ طبرسی، ج ۵، ص ۱۲۰، دار المعرفه، بیروت، بی تا.
۳. المیزان فی تفسیر القرآن، علامه طباطبائی، ج ۹، ص ۴۳۱-۴۳۲، دار الکتب الاسلامیه، تهران، چاپ پنجم، ۱۳۷۲ ش؛ تفسیر ابوالفتوح رازی، ج ۱۰، ص ۶۸-۷۳، بنیاد پژوهشهای اسلامی، مشهد، ۱۳۶۸ ش؛ البیان فی تفسیر القرآن، شیخ طوسی، ج ۵، ص ۳۱۶، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.
۴. جهت ملاحظه این دیدگاهها و روایات ر.ک: التبیان فی تفسیر القرآن، شیخ طوسی، ج ۵، ص ۳۱۸، دار الاحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۱۲۲؛ جامع البیان عن تأویل القرآن، محمد بن جریر طبری، ج ۷، ص ۲۸۸-۲۸۹، دار التراث العربی، بیروت، ۱۹۸۵ م؛ الدرر المنثور فی التفسیر المأثور، جلال الدین سیوطی، ج ۴، ص ۳۱۶، دارالفکر، بیروت، ۱۹۹۳ م.
۵. و نیز ر.ک: سوره های احزاب، آیه ۲۳، حشر، آیه ۸.
۶. الدر المنثور فی التفسیر المأثور، سیوطی ج ۴، ص ۳۱۶.
۷. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، شیخ طبرسی، ج ۵، ص ۱۲۲.
۸. اصول کافی، شیخ کلینی، ج ۱، ص ۲۰۸، حدیث ۲، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۸ ق.
۹. جهت اطلاع بیشتر ر.ک: مجله طلوع، شماره های ۸۹، مقاله «تفسیر تطبیقی آیه تطهیر از دیدگاه مذهب اهل بیت (ع) و اهل سنت»، ص ۱۵۷-۱۵۹. (از همین نگارنده)
۱۰. اصول کافی، ج ۱، ص ۲۸۶ - ۲۸۷، حدیث ۱؛ بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۲۱۱، حدیث ۱۲.
۱۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۲۰۸، حدیث ۲، البرهان فی تفسیر القرآن، بحرانی، ج ۳، ص ۵۱۵، حدیث ۱، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۹۹۹ م. غایه المرام، بحرانی، ج ۳، ص ۵۲، حدیث ۱، تفسیر الصافی، ج ۲، ص ۳۸۷؛ تفسیر نور الثقلین، حویزی، ج ۲، ص ۲۸۰، حدیث ۳۹۳.
۱۲. اصول کافی، ج ۱، ص ۲۰۸، حدیث ۲؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۵۱۵، حدیث ۲؛ غایه المرام، ج ۳، ص ۵۲، حدیث ۲؛ تفسیر الصافی، ج ۲، ص ۳۸۷؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۲، ص ۲۸۰، حدیث ۳۹۴ (شایان ذکر است که این حدیث از احادیث صحیح به حساب می آید).
۱۳. الامالی، شیخ طوسی، ص ۲۵۵ - ۲۵۶، حدیث ۴۶۱، مؤسسة البعثة، قم، ۱۴۱۴ ق. غایه المرام، ج ۳، ص ۵۲، حدیث ۴؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۵۱۵ - ۵۱۶، حدیث ۴.
۱۴. البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۵۱۶، حدیث ۵، غایه المرام، ج ۳، ص ۵۳، حدیث ۷، تفسیر الصافی، ج ۲، ص ۳۸۸؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۲، ص ۲۸۰، حدیث ۳۹۷.
۱۵. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۱۲۲؛ البرهان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۵۱۷، حدیث ۱؛ تفسیر الصافی، ج ۲، ص ۳۸۸؛ تفسیر نور الثقلین، ج ۲، ص ۲۸۰، حدیث ۳۹۲.
۱۶. تفسیر نور الثقلین، حویزی، ج ۲، ص ۲۸۰، حدیث ۳۹۵، مؤسسة اسماعیلیان، قم، ۱۴۱۲ ق.

طبرسی

سال چهارم - شماره ۱۳ و ۱۴ - بهار و تابستان ۸۴

۶۸

۱۷. اصول کافی، کتاب الحجّة، باب ما فرض الله عزوجل و رسوله(ص) من الكون مع الائمة(ع)، حدیث ۳ (این حدیث صحیح است). گفتنی است که احادیث و روایات مربوط به آیه «مع الصادقین» در منابع متعدد مذهب اهل بیت(ع) موجود است که در اینجا جهت رعایت اختصار به روایات مذکور کفایت می‌کنیم و جهت آشنایی بیشتر با امثال این روایات منابع ذیل را می‌شماریم: اصول کافی، شیخ کلینی (متوفای ۳۲۹ق)، ج ۱، ص ۲۰۸، حدیث ۱ و ۲؛ الامالی، شیخ طوسی (۳۸۵-۴۶۰ق)، ص ۲۵۵-۲۵۶، حدیث ۴۶۱؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن، شیخ طبرسی (متوفای ۵۴۸ق)، ج ۵، ص ۱۲۲؛ تفسیر العیاشی، ج ۲، ص ۱۱۷، حدیث ۱۵۶؛ تفسیر نور الثقلین، حویزی (متوفای ۱۱۱۲ق)، ج ۲، ص ۲۸۰-۲۸۱، حدیث ۳۹۳، ۳۹۲، ۳۹۵، ۳۹۹، ۳۹۴ و ۳۹۷. البرهان فی تفسیر القرآن، بحرانی (متوفای ۱۱۰۹ق)، ج ۳، ص ۵۱۵-۵۱۷، حدیث ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۱۲، ۱۳ و ۱۴؛ غایة المرام، بحرانی (متوفای ۱۱۰۹ق)، ج ۳ ص ۵۲-۵۳، حدیث ۱، ۲، ۴ و ۷؛ تفسیر الصافی، فیض کاشانی (متوفای ۱۰۹۱ق)، ج ۲، ص ۳۸۷ و ۳۸۸...
۱۸. منظور از مفهوم اشاره به درک و فهم حقایق جهان هستی و الهی توسط امامان معصوم(ع) است و منظور از محدث این است که خبرهای مهم و علوم الهی بر ائمه(ع) الهام می‌شود. البته این به معنای وحی نیست.
۱۹. جامع البیان عن تأویل آی القرآن، طبری، ج ۷، ص ۶۳ جزء ۱۱؛ الدر المنثور فی التفسیر المأثور، السیوطی، ج ۴، ص ۳۱۶.
۲۰. جامع البیان عن تأویل آی القرآن، طبری، ج ۷، ص ۶۳ جزء ۱۱؛ الدر المنثور فی التفسیر المأثور، ج ۴، ص ۳۱۶.
۲۱. ینابیع المودة، شیخ سلیمان قندوزی حنفی، ج ۱، ص ۱۴۱، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۹۹۷م.
۲۲. ینابیع المودة، شیخ سلیمان قندوزی حنفی، ج ۱، ص ۱۴۱.
۲۳. شواهد التنزیل، حاکم حسکانی، ج ۱، ص ۲۵۹، حدیث ۳۵۰، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۹۷۴م.
۲۴. همان، ج ۱، ص ۲۵۹ - ۲۶۰، حدیث ۳۵۱.
۲۵. همان، ج ۱، ص ۲۶۰، حدیث ۳۵۲.
۲۶. همان، ج ۱، ص ۲۶۰-۲۶۱، حدیث ۳۵۳.
۲۷. همان، ج ۱، ص ۲۶۱-۲۶۲، حدیث ۳۵۵.
۲۸. همان، ج ۱، ص ۲۶۲، حدیث ۳۵۷. گفتنی است که روایات و احادیث مربوط به آیه «مع الصادقین» در منابع متعدد حدیثی و تفسیری مذهب اهل سنت نیز موجود است که در اینجا تعدادی از آنها را معرفی می‌کنیم: جامع البیان عن تأویل آی القرآن، طبری (متوفای ۳۱۰ق)، ج ۷، ص ۶۳ جزء ۱۱؛ شواهد التنزیل، حاکم حسکانی، ج ۱، ص ۲۵۹-۲۶۲، حدیث ۳۵۰، ۳۵۱، ۳۵۲، ۳۵۳، ۳۵۵ و ۳۵۷؛ المناقب، خوارزمی (متوفای ۵۶۸ق)، ص ۲۸۰، حدیث ۲۷۳. الدر المنثور فی التفسیر المأثور، سیوطی (متوفای ۹۱۱ق)، ج ۴، ص ۳۱۶. تفسیر روح المعانی، آلوسی (متوفای ۱۲۷۰ق)، ج ۱۱، ص ۴۱. ینابیع المودة، قندوزی حنفی، ج ۱، ص ۱۴۱. کفایة الطالب، کنجی شافعی، ص ۲۳۶. فتح القدیر، شوکانی، ج ۲، ص ۴۱۴. فراند السمطین، جوینی خراسانی، ج ۱، ص ۳۱۴، حدیث ۲۵۰ و ص ۳۷۰، حدیث ۲۹۹ - ۳۰۰. تذکرة الخواص، سبط ابن جوزی حنفی، ص ۱۶. تاریخ دمشق، ابن عساکر شافعی، ج ۲، ص ۴۲۱. نظم درر السمطین، زرنندی حنفی، ص ۹۱؛

- المراجعات، الهوامش التحقیقیة، ص ۳۴۲، سید عبدالحسین شرف‌الدین، تحقیق: شیخ حسین راضی، مجمع جهان اهل بیت (ع)، قم، چاپ دوم، ۱۴۱۶ ق.
۲۹. التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۳۱۷ - ۳۱۸.
۳۰. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۱۲۲.
۳۱. تفسیر القرآن الکریم، سیدعبدالله شبر، ص ۲۱۴، مطبوعات النجاح، قاهره، چاپ سوم، ۱۹۶۶ م.
۳۲. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۴۲۶.
۳۳. المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۹، ص ۴۳۲-۴۳۳.
۳۴. تفسیر نمونه، ج ۸، ص ۱۸۱-۱۸۲، دار الکتب الاسلامیة، تهران، چاپ بیست و هفتم، ۱۳۷۸ ش.
۳۵. جامع البیان عن تأویل آی القرآن، طبری، ج ۷، ص ۶۲ - ۶۳ جزء ۱۱.
۳۶. تفسیر السمرقندی، ج ۲ ص ۸۱، دار الکتب العلمیة، بیروت، چاپ اول، ۱۹۹۳ م.
۳۷. تفسیر الفخر الرازی، ج ۱۶، ص ۲۲۷، دار الفکر، بیروت، بی تا.
۳۸. الجامع لاحکام القرآن، قرطبی، ج ۸، ص ۲۸۸ - ۲۸۹.
۳۹. تفسیر البیضاوی، ج ۱، ص ۴۲۴، دار الکتب العلمیة، بیروت، چاپ اول، ۱۹۸۸ م.
۴۰. الدر المنثور فی التفسیر المأثور، ج ۲، ص ۸.
۴۱. تفسیر الفخر الرازی، ج ۱۶، ص ۲۲۷.
۴۲. همان.
۴۳. رک: تفسیر نمونه، شیخ ناصر مکارم شیرازی، ج ۸، ص ۱۸۳.
۴۴. جهت ملاحظه این روایات و دیدگاهها رک: جامع البیان عن تأویل آی القرآن، ج ۷، ص ۶۲-۶۳ جزء ۱۱؛ الجامع لاحکام القرآن، ج ۸، ص ۲۸۸ - ۲۸۹؛ الدر المنثور فی التفسیر المأثور، ج ۴، ص ۳۱۶.
۴۵. توبه، آیه ۱۰۰.
۴۶. حشر، آیه ۸ و نیز رک: یه فتح، آیات ۱۸ و ۲۹؛ بقره، ۱۴۳؛ آل عمران، آیه ۱۱۰.
۴۷. توبه، آیه ۱۰۱.
۴۸. احزاب، آیه ۱۲.
۴۹. حجرات، آیه ۶.
۵۰. نور، آیه ۱۱.
۵۱. صحیح البخاری، ج ۴، باب الحوض، ص ۲۵، دارالمعرفة، بیروت، بی تا (این روایت با عبارتهای دیگر در صحیح مسلم، کتاب الفضائل، باب «اثبات حوض نبینا(ص) و صفاته» نیز آمده است).
۵۲. احزاب، آیه ۳۰.
۵۳. تحریم، آیه ۱۰.
۵۴. رک: تفسیر نمونه، ج ۸، ص ۱۸۱.

طهر

سال چهارم - شماره ۱۳ و ۱۴ - بهار و تابستان ۸۴

۷۰